

دانلود مقاله مبارزه با فساد در حکومت علوي

جهت مشاهده [دانلود مقاله مبارزه با فساد در حکومت علوي](#) به پایین همین صفحه مراجعه نمایید

تعداد صفحات : 41 صفحه

برای دریافت اینجا کلیک کنید

فرمت WORD قابل ویرایش



مبارزه با فساد در حکومت علوي

هدف و انگیزه از پذیرش حکومت

شرایط جامعه اسلامي در دوران خلیفه سوم

انواع مفسد

شیوه های امام(ع) برای مبارزه با فساد موجود

الف) مبارزه با فساد در بعد نظري:

ب) مبارزه با فساد در بعد عملي:

۱- موضوعات مربوط به خودکنترلي

۲- موضوعات مربوط به نظارت و کنترل دقیق بر عملکرد کارگزاران

۳- اقدامات عملي و برنامه اصلاحات

برکناري و عزل کارگزاران دوره عثمانی

دستگاه قضایی و مبارزه با فساد

مبارزه مستمر و پیگیر با فتنه و فساد

مبارزه با مفسد اقتصادی

مبارزه با تبعیض و بی عدالتی

مبارزه با مفسد اخلاقی و اجتماعی

مبارزه با تحریفات و انحرافات

مبارزه با خرافات و تحریف

مبارزه با بدعتها

بازرسی و نظارت عالی

دو نوع بازرسی و رسیدگی

پیگیری گزارش بازرسان و مأموران ویژه

شرایط و صفات بازرسان

از اهداف بلند انبیا(ع) می توان "برقراری قسط و عدل در جامعه" و "حمایت

از محرومان و مبارزه با ستمگران" و "برقراری نظم و انضباط و حاکمیت قانون عدل و قانون خدا در جامعه" و "برقراری امنیت فردی و اجتماعی" و "برخورد با عوامل ناامنی و فتنه و فساد" و "ایجاد محیطی سالم و سازنده و پاک و شایسته

برای رشد استعدادها و فضایل" و "ارتقای سطح بینش مادی و معنوی جامعه بشری" و "فضاسازی برای عزت و کرامت انسانها و تکامل الهی جامعه" را شمرد.

البته، محدود کردن کارایی ادیان الهی به بُعد حکومت و برقراری اهداف یادشده، بدون توجه به اهداف معنوی، همان قدر ناروا و ستم است که محدود

کردن مکتب انبیا(ع) به اهداف معنوی و رهبانیت و گوشه گیری و انزوای سیاسی. هر دو دیدگاه، انحرافی و ناصحیح و نارواست. دیدگاه حق در باره مکتب انبیا(ع) جامع نگرایی میان حیات دنیا و سعادت آخرت و ارتباط دنیا با آخرت و دین با حکومت و برقراری عدالت آمیخته با تقوا و فضیلت و معنویت است. باید اهداف بلند حکومت علوی(ع) را نیز در همین موارد، جست.

|۲۵۴|

امام علی(ع) انگیزه خود را از پذیرفتن حکومت، برقراری قسط و عدل و امنیت و دفاع از مظلومان و ستمدیدگان و مقابله با ظالمان و ستمگران و تقسیم عادلانه بیت المال در میان مسلمانان و ایجاد زمینه های لازم برای رشد و پویایی و عزت و سربلندی جامعه اسلامی و ... عنوان کرده و شهادتش نیز برای تحقق چنین اهداف بلندی بوده است.

در این نوشتار، بیشتر، سعی خواهد شد تا گوشه هایی از اهداف بلند حکومت علوی(ع) و شرایط و وضعیت و نیازها و شیوه های مبارزه آن حضرت با مفسد اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، بازگو شود و راهکارها و سیاستهای آن حضرت در برخورد با مفسد گوناگون حکومتی، اداری، اجتماعی، سیاسی، ارائه گردد و شرایط مطلوب و قابل قبول برای حکومت اسلامی تبیین گردد.

هدف و انگیزه از پذیرش حکومت

با توجه به شرایطی که در بیست و پنج سال بعد از زمان رحلت رسول اکرم(ص) یعنی از سال ۱۱ هجری تا سال ۲۵ هجری در دنیای اسلام به وجود آمده بود و مجموعه اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و انحرافات و تحریفهایی که مخصوصاً در ثلث سوم این دوران پدید آمده

بود و عناصر ناباب و ناسالم بر دنیای اسلام حاکم شده بودند و حکومت به جای شایسته سالاری و لیاقت پروری به دست افراد ناباب و غیر مسؤول افتاده بود و بیت المال به عنوان تیول قشری خاص از اربابان زر و زور و قدرت تبدیل شده بود و عدالت و مواسات و مساوات و برادری و وحدت اسلامی از جامعه رخت بر بسته بود و ضعف و سستی و کسالت و تبلی و تن پروری جایگزین شجاعت و شهامت و فتوت و مردانگی شده بود و غیرتها و تعصبات غلط جاهلی مجدداً در پی احیا شدن بود و روابط جای ضوابط را گرفته بود، امام(ع) با توجه به شرایط موجود

“دعوني و التمسوا غيري فاتا مستقبلون امراً له وجوه و الوان؛ [۱]
من را رها کنید و سراغ دیگری بروید، زیرا ما با امری روبه رو هستیم که دارای
چهره ها و شکلها و رنگهای گوناگون است.”
اما آنگاه که پذیرفت این بار سنگین را بر حسب وظیفه و تکلیف و امانت الهی بر دوش

|۲۵۵|

گیرد، فرمود:

“وَ اعلموا اني ان اجبتكم ركب بكم ما اعلم و لم اضغ الي قول القائل و عتب العاتب؛ [۲]
اگر مهار مرکب حکومت در اختیار من قرار گیرد من طبق تشخیص و وظیفه خود
عمل خواهم کرد و گوش به حرف این و آن و یا ملامت کسی نخواهم داد و بر طبق
علم و دانایی و توانایی خود اقدام خواهم نمود.”

و آنگاه که حکومت را پذیرفت اهداف خود و فلسفه حکومت و برنامه ها و سیاستها و اصول
کار خود را در مواقع مختلف اعلام داشت که از آن جمله اینهاست:
۱- مبارزه با سیری ظالم و گرسنگی مظلوم:

“لولا حضور الحاضر و قيام الحجّة بوجود الناصر و ما أخذ الله علي العلماء ان لا يُقاروا
علي كظة ظالم و لا سغب مظلوم لالقيت حبلها علي غاربها و لسقيت آخرها يكأس
أولها؛ [۳]

اگر گروهی برای یاری من آماده نبودند و حجت خداوند با وجود یاوران بر من تمام
نمی گشت و پیمان الهی با دانایان در باره عدم تحمل پرخوری ستمکاران و گرسنگی

ستمدیدگان نبود، مهار این زمامداری را به دوش می انداختم و انجام آن را مانند
آغازش با پیاله بی اعتنایی سیراب می کردم و در آن هنگام می فهمیدید که این دنیای
شما در نزد من از اخلاط دماغ يك بز ناچیزتر است.”

2- احیای دین و اصلاح طلبی:

“اللهم انك تعلم انه لم يكن الذي كان منّا منافسة في سلطان و لا التماس شيء من

فُصول الحُطام ...؛ [۴]

پروردگارا تو می دانی که مطالبه و اقدام ما برای به دست آوردن حکومت نه برای
تلاش و رقابت در میدان سلطه گری بوده و نه برای خواستن زیادتی از مال دنیا، بلکه
همه هدف ما ورود به نشانه های دین تو و اظهار اصلاح در شهرهای تو بوده است،

باشد که بندگان ستمدیده تو امن و امان یابند و آن کیفرها و احکام تو که از اجرا باز
ایستاده است به جریان بیفتد و بر پا گردد.”

”وَ اللَّهُ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أَقِيمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعُ بَاطِلًا؛ [۵]

|۲۵۶|

به خدا سوگند این کفش بی ارزش، در نزد من بهتر از زمامداری بر شماست مگر اینکه حقی را بر پا دارم یا باطلی را از بین ببرم.“
4. احیای معالم و ارزشهای عصر نبوی(ص):

”وَ إِنَّ مَسِيرِي هَذَا لَمِثْلُهَا فَلَانَقِبَنَّ الْبَاطِلَ حَتَّى يَخْرُجَ الْحَقُّ مِنْ جَنْبِهِ؛ مَالِي وَ لَقْرَيْش؛ [۶]

و این مسیری که امروز در پیش گرفته ام مانند مسیری است که از روز اول برای پیروزی اسلام به پیش گرفته بودم؛ قطعاً باطل را خواهم شکافت و حق را از پهلوی آن بیرون خواهم آورد؛ قریش از من چه می خواهد...“

5. شایسته سالاری و حکومت انسانهای شایسته:

”فَلَيْسَتْ تَصْلِحُ الرَّعِيَةَ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ وَ لَا تَصْلِحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَةِ؛ [۷]

پس رعیت صالح نمی شود مگر به اصلاح ولات و زمامداران، و زمامداران صالح نمی شوند مگر با استقامت مردم.“

”قَدْ عَلِمْتُمْ إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلِي الْفُرُوجِ وَ الدَّمَاءِ وَ الْمَغَانِمِ وَ الْأَحْكَامِ وَ

إِمَامَةَ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلِ...؛ [۸]

شما می دانید که نباید والی و زمامدار بر نوامیس و نفوس و خونهای مسلمانان و اموال

و احکام و پیشوایی و زمامداری امت اسلامی، کسانی باشند که نسبت به اموال آنان حریص باشند و نه جاهل در احکام و امور و نه جفاکار و نه حیف و میل کننده و نه اهل رشوه و نه تعطیل کننده سنت.“

”لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ إِلَّا مَنْ لَا يُضَارِعُ وَ لَا يُتَّبِعُ الْمَطَامِعَ؛ [۹]

امر خدا را اقامه نمی کند مگر کسی که اهل ساخت و پاخت و تشابه و سازش با دشمنان نباشد و از طمعها نیز پیروی نکند.“

”فَوَ اللَّهُ إِنِّي لِقَاءَ اللَّهِ لَمُشْتَاقٌ وَ حَسَنٌ ثَوَابِهِ لِمُنْتَظَرٍ رَاجٍ وَ لَكِنِّي أَسِي أَنْ يَلِيَّ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سُفَهَاؤُهَا وَ فَجَارُهَا فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دَوْلًا وَ عِبَادَةَ خَوْلًا وَ الصَّالِحِينَ حَرَبًا وَ الْفَاسِقِينَ حَزْبًا؛ [۱۰]

به خدا قسم من مشتاق ملاقات خدا هستم و به پاداش نیکوی او امیدوار، اما از آن خوف دارم که امر امت به دست سفیهان و فاسقان بیفتد، آنگاه مال خدا را دست به دست بگردانند و بندگان او را به خدمت گمارند و با صالحان در جنگ باشند و فاسقان

|۲۵۷|

را حزب و یار گیرند.“

6. احقاق حقوق بیت المال:

”وَ اللَّهُ لَوْ وَجَدْتَهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ التَّسَاءِ وَ مَلَكَ بِهِ الْإِمَاءَ لَرَدَدْتَهُ إِلَيَّ بَيْتَ الْمَالِ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مِنْ ضَاقٍ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجُورُ عَلَيْهِ اضْيَاقٌ؛ [۱۱]

به خدا سوگند اگر بیابم که به مهر زنان در آمده یا بھای کنیزکان شده، آن را به بیت المال باز می گردانم، همانا در عدالت گشایشی است و کسی که عدالت بر او تنگ آید پس ستم بر او تنگ تر است.“

۷- مساوات در امر تقسیم بیت المال:

«لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَالْمَالُ لِلَّهِ، أَلَا وَ إِنَّ أَعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ؛ [۱۲]

اگر مال از آن من بود در میان آنها مساوات را رعایت می کردم چه رسد که مال، مال خداست و اینان همگی بندگان خدایند و در بیت المال شریک و سهیم. آگاه باشید که عطا کردن مال در غیر جای خودش تبذیر است و اسراف.»
8- مبارزه با خشونت و استبداد:

«إِسْتَعْمَلِ الْعَدْلَ وَ احْذِرِ الْعَسْفَ وَ الْحَيْفَ؛ [۱۳]

عدالت را به کار گیر و از زورگویی و تضييع حق بپرهیز.»

«فَلَا تَكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَّارَةَ...؛ [۱۴]

همچون سخن گفتن با جباران با من سخن مگویند...»

شرایط جامعه اسلامی در دوران خلیفه سوم

شرایط جامعه اسلامی، در دوران خلافت خلیفه سوم، از نابسامانیهای فراوان سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی رنج می برد تا جایی که خود این شرایط اسفبار، موجب شورش مردم مصر و حجاز و عراق شد.

لجام گسیختگی و ضعف و سستی و اسراف و تبذیر و تبعیض و بی عدالتی و فساد و هرج و مرج دخالت‌های بیجای دربار خلافت و باند فاسد مروانی و اموی در امور کشور پهناور اسلامی و به کار گماردن افراد فاسد و نالایق و عیاش بر مسند امور مسلمانان و حیف و میل وسیع بیت المال و

|۲۵۸|

تقسیم ناعادلانه امکانات و منابع و ثروتهای عمومی و انفال و زمینهای عمومی و پرخوری فراوان تعدادی انگشت شمار وابسته به دربار خلافت و محرومیت اکثریت جامعه و تسلط سفیهان و فاجران و فرومایگان و دهها موضوع خرد و کلان دیگر، مسایل و موضوعاتی بود که آن حضرت در آستانه پذیرش خلافت، با آن مواجه بود.

محیطی که در دوره مروان حکم و معاویه و خلیفه سوم و ایادی آنها و حزب اموی و طرفداران آنها به وجود آمده بود و سوء استفاده های فراوان مالی و اجتماعی و سیاسی و قدرت طلبی و تملک اموال و املاک عمومی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی و خانواده های هزار فامیل و باندهای تبهکار که بر اساس تعصبات غلط و تمایلات نایجا و ضعف و همراهی دستگاه حکومت شکل گرفته بود، تبدیل به يك معضل عظیم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شده بود که جز با يك

انقلاب پایدار و فراگیر و همه جانبه و جهاد و فداکاری عمیق امکان اصلاح آن نبود و ریشه های فتنه، آن قدر عمیق و فراگیر و فریبکارانه رشد کرده بود که به سادگی امکان تحول و اصلاح در آن میسر نمی شد. این موضوع را از دو ناحیه می توان پی گرفت:

الف: از ناحیه بررسیهای تاریخی

ب: از ناحیه سخنان و سیره و عملکرد امیرالمؤمنین(ع)

در بخش اول سخنان مورخان و تاریخ نگاران را می توان در محورهای ذیل خلاصه کرد:

۱- شکل گیری دو طبقه عامه و خاصه

در زمان خلیفه دوم دیوان عطایا، حقوق و بیت المال بر اساس سوابق اسلامی افراد و ترکیب

قبیله ای و مهاجرت و طبقه بندی امت بر پایه قومیت و نژاد و سابقه گرایش به اسلام و مانند آن شکل گرفت و در نتیجه اختلاف بین طبقات اجتماعی افزایش یافت و یا پدید آمد و توقعات و

مطالبات شدت یافت و جامعه به طبقه خواص و عوام تقسیم شد. (عامّه و خاصّه)

این سنت غلط، آثار شوم و ناپسند خود را در جامعه اسلامی گذاشت. امام(ع) برای اجرای عدالت و مساوات تلاش فراوانی انجام داد، اما سرانجام به جرم عدالتخواهی به شهادت رسید.
۲- گرایشهای نژادپرستانه و قوم گرایی

با گسترش فتوحات اسلامی اختلاط نژادهای مختلف عرب و عجم از اقوام گوناگون غیر عرب به وجود آمد و اشخاص فراوانی به عنوان مهاجرت یا به قصد جنگ به نقاط دیگر رفتند. اسیران جنگی و بردگان بسیاری به قبایل عربی تعلق گرفتند. مفاهیمی مانند عرب و موالی و

[۲۵۹]

شهرنندی درجه يك و دو مطرح شد و طبعاً بخش عظیمی از جامعه از حقوق کمتری برخوردار شدند.

در این رابطه تبعیض و بی عدالتی و عدم مساوات در بسیاری از امور موجب نگرانی و دغدغه خاطر امام(ع) بود.

۳- بدعتها و تحریفها

اجتهاد در مقابل نصّ، خودرأیی و خودمحوری، مصلحت گرایی و مصلحت اندیشی، عمل به سلیقه و اجتهاد شخصی، امری رایج بود.

امام(ع) در نامه به مالک اشتر می فرماید:

“فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ كَانِ اسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَىٰ وَ تُطَلَّبُ بِهِ الدُّنْيَا؛ [۱۵]

این دین در دست اشرار اسیر بود که در آن به هوس می رانند و به نام دین دنیا را می خوردند.”

در جای دیگر می فرماید:

“و لَكِنَّا إِنَّمَا أَصْبَحْنَا نَقَاتِلَ إِخْوَانَنَا فِي الْإِسْلَامِ عَلَيَّ مَا دَخَلَ فِيهِ مِنَ الزَّيْغِ وَالْإِعْوَجَاجِ وَ الشُّبْهَةِ وَ التَّأْوِيلِ؛ [۱۶]

امروز ما از آن روی با برادران مسلمانمان وارد جنگ شده ایم که انحراف، کجی، شبهه و تأویل در اسلام وارد شده است.”

۴- فساد اجتماعی

رفاه زدگی، غنایم فراوان به دست آمده در اثر فتوحات، باندبازی و سلطه قبیله اموی و مروانی، و حاکمیت عناصر نابکار و ناشایست و فرومایه و بیسواد یا کم سواد، تضعیف آرمانهای دینی و الهی اسلام را در جامعه آن روز به دنبال داشت. رسوبات جاهلی دوباره غالب بود. نظام

حاکم در ایجاد رشد و تعادل اخلاقی و گسترش عدالت اجتماعی در مانده بود. روابط جای ضوابط را گرفته، فرومایگان سازشکار و سازشکاران بی بند و بار بر سرنوشت امت اسلام چیره شده

«وَأَعْلَمُوا رَحْمَكُمُ اللَّهُ إِنَّكُمْ فِي زَمَانِ الْقَائِلِ فِيهِ بِالْحَقِّ قَلِيلٌ وَاللِّسَانِ عَنِ الصِّدْقِ كَلِيلٌ وَاللَّازِمُ لِلْحَقِّ ذَلِيلٌ، أَهْلُهُ مُعْتَكِفُونَ عَلَيِ الْعَصِيَانِ، مُصْطَلِحُونَ عَلَيِ الْإِدْهَانِ، فَتَاهُمْ عَارِمٌ وَشَائِبُهُمْ آثِمٌ وَعَالِمُهُمْ مَنَافِقٌ، وَقَارِئُهُمْ مُمَازِقٌ، لَا يُعْظِمُ صَغِيرُهُمْ كَبِيرَهُمْ وَلَا يَعْوَلُ

| ۲۶۰ |

غَنِيَّهُمْ فَقِيرُهُمْ؛ [۱۷]

بدانید، خدایان رحمت کند، شما در زمانی به سر می برید، که گوینده به حق در آن اندک است و زبان از گفتن راست ناتوان، آنان که همراه حق اند خواریند و مردم به

نافرمانی گرفتار و در برقراری مدافعه با یکدیگر سازگار، جوانشان بدخو و پیرشان گنهگار، عالیشان منافق و قاریشان سودجو، نه خردشان سالمند را حرمت نهد و نه توانگرشان مستمند را کمک کند.» <

حاکمیت دار و دسته بنی امیه و ضعف دستگاه خلافت مرکزی و یا همسازی و هم نوایی با آنان و انحرافات فراوان این قبیله و تحمیل خواستها و تمایلات سفیهانه و مزورانه خود بر اسلام، بزرگترین بلایی بود که امت اسلامی آن را لمس و تجربه می کرد و بعد نیز در طول دهها سال و بلکه تا امروز، آثار تلخ آن را در جان و ذائقه خود احساس می کند. آنان که امام علی(ع) در باره ایشان فرمود:

«مَا أَسْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسَلَمُوا وَ أَسْرَوْا الْكُفْرَ فَلَمَّا وَجَدُوا أَعْوَانًا عَلَيْهِ أَظْهَرُوهُ؛ [۱۸]

اسلام را از روی طوع و رغبت پذیرا نشدند بلکه به ضرب شمشیر تسلیم شدند و کفر

را مخفی کردند و چون بر آن یارانی یافتند آن را آشکار ساختند.» <

آری شرایط حاکم در ربع قرن بعد از وفات رسول اکرم(ص) بر دنیای اسلام چنین بود. [۱۹]

و اکنون این امام(ع) است که باید سیر تاریخ اسلام را از نو متحول نموده و بسازد و اصول و

اخلاق اسلامی را حاکم کند و دست نابخردان و فرومایگان را کوتاه سازد و اصول و ضوابط را به جای روابط و ظاهرسازی و فریب حاکم نماید و دست نابکاران را از سر امت اسلامی کوتاه سازد و رشته امامت و ولایت و هدایت و عدالت را برقرار نماید و آداب شریعت را زنده کند و بدعتها را بمیراند و دست نامحرمان را از سر اهل اسلام کوتاه نماید.

انواع مفاسد

مفاسد عصر علوی(ع) و هر دوره و زمانی را می توان در دو حوزه بیان کرد:

الف) حوزه حکومت و کارگزاران حکومتی؛

ب) حوزه مردم و جامعه.

باید در حوزه نخست، در دو محور بحث کرد: یکی در رابطه با زمامداران و مدیران عالی و

| ۲۶۱ |

ارشد جامعه، و دیگری، در رابطه با کارگزاران و مدیران میانی و پایینی.

البته، میان فساد حکومت و حاکمان و فساد مردم، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. اگر حاکمان، خود فاسد باشند، بنا بر اصل «الناس علی دین ملوکهم»، مردم نیز به فساد گرایش پیدا می کنند و

اگر مردم فاسد باشند، حاکمان را نیز به سمت و سوی فساد خواهند کشاند و اگر آنان نیز مقاومت کنند، با شورش و ... حاکمان صالح را از میان بخواهند داشت و رییسانی فاسد را بر سر کار خواهند نشاند.

این، اصلی است غیر قابل انکار که با اندک تأملی، درستی آن، روشن می شود. در تاریخ، شواهد فراوانی را برای این اصل می توان یافت.

شیوه های امام(ع) برای مبارزه با فساد موجود

حضرت علی(ع)، برای مبارزه با فساد موجود، در هر دو جنبش، راه سختی در پیش داشت. حضرت(ع) لحظه ای برای بازگرداندن جامعه اسلامی به همان جامعه ای که حضرت رسول(ص) بنیان نهاده بود، کوتاهی نکرد.

مبارزه حضرت(ع) با محو فساد، دو جنبه داشت: نظری و عملی.

ایشان، چه در آغاز حکومتش و در همان هنگامی که مردم با او بیعت کردند، و چه در مدت

خلافتش، با بیان رسا، شیوه صحیح حکومت داری و ویژگیهای يك امت اسلامی را، بارها و بارها، به مردم گوشزد کرد تا آنان، حق را بدانند و مطابق آن عمل کنند.

حضرت(ع) علاوه بر این روشنگریها و همزمان با آن، اقدامهای عملی اش را نیز آغاز کرد.

اکنون به بررسی شیوه های مبارزه آن حضرت و حکومت علوی(ع) با فساد می پردازیم.

الف) مبارزه با فساد در بعد نظری:

یکی از بزرگترین اهداف پذیرش حکومت توسط امام(ع) مبارزه با ظلم، فساد و طغیان، تبعیض، بی عدالتی و احقاق حقوق مردم و حاکمیت اسلام اصیل و ایجاد اصلاحات همه جانبه، عمیق و گسترده و کارساز و فراگیر در جامعه اسلامی بود. يك بخش مهم از این اصلاحات به تحولات ساختاری، اداری و مدیریتی، قضایی و اجرایی و نوع نگرش به بودجه عمومی کشور و بیت المال مسلمانان و نوع بهره برداری و استفاده از آن بوده است.

|۲۶۲|

امام(ع) وعده این تحولات و اصلاحات را در آغاز مسئولیت و زمامداری خود داد و فرمود: "به آنچه می گویم متعهد و پای بند هستم و سر حرف خود ایستاده ام و با کسی ملاحظه و رو در بایستی نخواهم داشت." [20]

سخن حضرت این بود که جامعه اسلامی در آستانه يك تحول جدید قرار گرفته است و بوی عطر عصر نبوی(ص) می آید، منتظر بسیاری از دگرگونیها باشید، در حکومت جدید

پیش کسوتان اهل تقوا سبقت خواهند گرفت و پیش افتادگان ناشایسته عقب رانده خواهند شد. در نظام جدید اصل بر شایسته سالاری، عدالتخواهی، و عدالت گرایی، تقوامجوری و خدامجوری است و با هر گونه اختلال، بی نظمی، فساد، ناهنجاری، سوء استفاده از قدرت، تضییع

قاطعیت برخورد خواهد شد. اجازه سوء استفاده و فرصت طلبی و خودسری به هیچ کس داده نمی شود.

نوع نگرش آن حضرت به حکومت و حاکمان و کارگزاران و بیت المال و بودجه و اموال

عمومي و قدرت و اقتدار حکومت و قواي حاکم بر امت و رسالت و مسؤوليت امام و رهبر و شیوه برخورد و رابطه و ارتباط و تعامل با مردم با مسؤوليت پذيري هر چه بيشتري، امانتداري، وظيفه شناسي، تکليف الهي، خدمتگزار مردم بودن، امر به معروف و نهی از منکر، احقاق حقوق مردم، اجرائي عدل و قسط و مبارزه با ظلم و فساد و فتنه و توطئه، ریشه کن کردن فساد در جامعه، پيشگيري از توسعه فساد، مبارزه با جريان فساد، اصلاح ساختارها و روشها، اصلاح مديران و کارگزاران، نظارت و پي گيري همه جانبه امور، اطلاع رسانی و کسب اطلاعات از عملکرد

مسؤولان ذي ربط، شفافيت، مسؤوليت متقابل والي و مردم، اصلاح ساختار قدرت در جامعه اسلامي، به کارگيري عناصر شايسته و باکفایت براي هر کاري و ايجاد نظامي کارآمد، مؤثر، مفيد، کم هزینه و پرفايد، باکفایت و بالياقت، منضبط و قانونگرا، ولايت پذير و باايمان و به دور از ضعف و جبن و مسامحه و مماشات و سهل انگاري و ضعف نفس و يا به کارگيري افراد متکبر، متفرعن، خودبزرگ بين و يا خشن و غير کارآمد و يا متملق و چاپلوس و يا طالب مال و يا خواهان قدرت را در بيانات نوراني آن حضرت فراوان مي توان يافت. در اين راستا بجاست که سنت و سيره و سخنان آن بزرگوار از چند ناحيه مورد توجه و بررسي قرار گيرد:

|۲۶۳|

الف: نقد نسبت به گذشتگان؛

ب: تبیین سیره رسول اکرم(ص)؛

ج: تبیین سیره عملي خود آن بزرگوار؛

د: بر حذر داشتن از صفاتي که حاکمان و امتهای گذشته گرفتار آن بوده اند؛

ه...: بر حذر داشتن از اخلاق رذيله و عوامل سقوط و انحراف و انحطاط که به نوعي تعريض در آن نهفته است؛

و: بيان مواظب بالغه و نسايح حکيمانه و دستورات خردمندان که چراغ محکم راه و قطب نماي حرکت جامعه است.

ب) مبارزه با فساد در بعد عملي:

در اين بخش، امام(ع) از روشهای فراواني استفاده فرموده است که مي توان آن را

فهرست وار بدین گونه بيان نمود:

۱- موضوعات مربوط به خودکنترلي

از قبيل تأکید بر اصل شايسته سالاري؛ تأکید بر اصل تقوا و معنويت، تأکید بر اصل تعهد و مسؤوليت پذيري، تأکید بر اصل خداگرايي و خدامحوري در کارها، تأکید بر اصل نظارت الهي، تأکید بر اصل نظارت مردمی، تأکید بر کرامت انسانها، تأکید بر جمع گرايي، تأکید بر فرهنگ سازي، تأکید بر فضاسازي مناسب و سالم، تأکید بر اصل مراقبه و محاسبه در کارها، تأکید

بر اصل ايمان به قيامت و آثار و نتایج اعمال، تأکید بر تقويت باورها و انگیزه های الهي، تأکید بر مبارزه با مفاسد اخلاقي، تربيتي و روحي و تأکید بر ارائه الگوهای کارآمد، مؤثر و ثمربخش.

۲- موضوعات مربوط به نظارت و کنترل دقيق بر عملکرد کارگزاران

از طریق بازرسی و کنترل به صورت سازمان یافته، بازرسی و کنترل به صورت موردی و با بازرسان ویژه و مخصوص، بازرسی و کنترل توسط افراد دیگر (اشخاص متعهد) و گزارشهای

مردمی، بازرسی و کنترل توسط مردم، پذیرش نظارت عمومی مردم، تأکید بر اصل شفافیت و پاسخگویی، تأکید بر اصل مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری، تأکید بر اصل نظارت و اقتدار قضایی، تأکید بر اصل پیشگیری، تأکید بر برخورد با ریشه فساد و تأکید بر اصل الگوسازی و ارائه اسوه های کارآمد و نقش رهبری شایسته در جامعه اسلامی.

|۲۶۴|

۳- اقدامات عملی و برنامه اصلاحات

مانند برکناری و عزل کارگزاران دوره عثمانی، عزم بر استرداد اموال غارت شده از بیت المال، قاطعیت در اجرای حدود الهی، برنامه جدی برای اجرای عدالت، برنامه جدی برای مساوات در اجرای قوانین (مساوات همه در برابر قانون)، برنامه جدی در بهره برداری مساوی از بیت المال (مساوات برای همه در تقسیم بیت المال)، الغای امتیازات نابجای گذشته، مبارزه با بدعتها و تحریفها و انحرافها، ایجاد فرصتهای برابر و مناسب برای همه، آموزش و هدایت صحیح منابع و استعدادهاي انسانی جهت خیر و صلاح، زمینه سازی برای رشد و پویایی جامعه، و تدبیر حکیمانه امت در جهت رشد و بالندگی.

برکناری و عزل کارگزاران دوره عثمانی

بدون تردید، شرط اساسی برای هر گونه تحول و اصلاح، به کارگیری کارگزاران شایسته و مدیران لایق و خردمند و باکفایت و مسئولان دردمند و دلسوز و استفاده از نیروهای توانا و دانا و باتقوا و زجرکشیده و رنج دیده است.

برای ایجاد تحول در هر جامعه و هر حکومت، باید کار را از دست ناهلان و فرومایگان خارج کرد و به دست اهلان و پاک باختگان سپرد.

امام(ع) نیز در سخنان فراوانی بر این اصل تأکید کرده اند:

«إِنَّ شَرَّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزِيْرًا؛

همانا بدترین وزیران و همکاران تو، آنانی هستند که برای اشرار قبل از تو، وزیر

بوده اند و در آثم و گناهان با آنان همکاری داشته اند.» [21]

«يَسْتَدِلُّ عَلَي ادْبَارِ الدُّوْلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعُ الْأُصُوْلِ وَ التَّمَسُّكُ بِالْقُرُوْعِ وَ تَقْدِيْمُ الْأَرَادِلِ وَ تَأْخِيْرُ الْأَفَاضِلِ [۲۲]؛

چهار چیز، نشانه انحطاط دولتها است: اصول را ضایع کردن؛ به فروع چسبیدن؛ افراد فرومایه و پست را مقدم داشتن؛ افراد بافضیلت را کنار زدن.»

«أَلَا وَ إِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللهُ نَبِيَّهٖ (ص) [۲۳] ...؛

امتحان سختی در پیش داریم و جامعه در آستانه يك تحول عظیمی قرار گرفته است: آنان که بی جهت جلو افتاده بودند، باید به عقب برگردند و آنان که به ناحق کنار زده

|۲۶۵|

شده بودند، باید به صحنه آیند.»

«وَ قَدْ عَلِمْتُمْ إِنَّهٗ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي [۲۴] ...؛

و برای شما (از سیره رسول اکرم(ص) و قرآن کریم) روشن است که والی جامعه اسلامی - که مسؤولیت اموال و جانها و احکام و آعراض و غنایم و امامت امت اسلامی را عهده دار است - نباید افراد بخیل باشند... >
”لَا يُقِيمُ أَمْرُ اللَّهِ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ [۲۵] ...؛
امر خدا را هرگز نمی تواند اقامه کند جز کسی که اهل سازش و کرنش و تشابه به کفار و فاسقان و پیرو مطامع نباشد.“ >
”يَسْتَدِلُّ عَلَيَّ الْاِدْبَارُ بِأَرْبَعٍ: سُوءِ التَّدْبِيرِ وَ قُبْحِ التَّبْذِيرِ وَ قِلَّةِ الْاِعْتِبَارِ وَ كَثْرَةِ الْاِغْتِرَارِ [۲۶]؛

چهار چیز نشانه پشت کردن و انحطاط است: تدبیر بد و ناروا؛ تبذیر زشت و ناپسند؛ کم عبرت گرفتن از حوادث و روزگار؛ بسیار مغرور شدن.“ >
مغیره، پیش حضرت آمد و درخواست کرد که کارگزاران دوره عثمانی را در جای خود ابقا کند و حداقل، معاویه را از کار برکنار نکند، اما امام علی(ع) فرمود: به خدا قسم! اگر ساعتی از روز باشد، در اجرای وظیفه ام تلاش به خرج می دهم، نه آنان را که گفتی والی می کنم و نه امثال آنان را به ولایت می گمارم. [۲۷]

دستگاه قضایی و مبارزه با فساد

نقش و جایگاه دستگاه قضایی کارآمد و صالح در مبارزه با فساد و تجاوز، بر هیچ کس پوشیده نیست. چنانچه قوه قضاییه، از استقلال و اقتدار و اعتبار و شایستگی های لازم برخوردار باشد، به طور قطع، می تواند به عنوان شمشیر برنده ای در برابر بی عدالتی و ظلم و قلدری بایستد و از حقوق مردم و محرومان، دفاع و در برابر زورگویان و متجاسران به حقوق عمومی، مقابله و مقاومت و امنیت و نظم اجتماعی و عدالت عمومی و حمایت از محرومان را تضمین و تأمین کند. در فرهنگ و میراث علوی(ع) بحث دستگاه قضایی و اعتبار و استقلال و هویت و کفایت آن، به عنوان يك اصل روشن و کارساز و مؤثر در پیشگیری از جرم و جنایت و در برخورد با مجرمان و جنایتکاران به حساب آمده است و از این حیث، همه، در برابر قانون، برابرند و قاضی،

[۲۶۶]

موظف به اجرای حق و عدل و احقاق حقوق عامه و مبارزه با فساد در اشکال گوناگون آن شده است.

امیرالمؤمنین(ع) در دوران خلافت و ولایت خود، بر استفاده از قضات شایسته و بایسته، تأکید فرمود و بر اهمیت قضاوت ارشاد کرد و در جهت تقویت امور قضایی کوشید و راههای پیچیده قضاوت را با بیان و قضاوتهای حیرت انگیز خود روشن ساخت و بر کار قضات نظارت

کرد و نقاط ضعف آنان را گوشزد کرد و بر عملکرد آنان اشراف داشت و بر شرافت و تأمین زندگی و رفاه و معیشت قضات عنایت داشت تا دستگاه قضایی، حقیقت را فدای مصلحت نکند و تحت تأثیر رشوه و تطمیع و تهدید قرار نگیرد و اهل مداهنه نباشد و نیز بداند که بر مسند پیامبر(ص) و یا وصی او تکیه زده است و منصب قضا امانت است و نه تجارت.

در فرمان حکیمانه امام(ع) به مالک اشتر، این مسایل، به وضوح قابل ملاحظه و استفاده است:

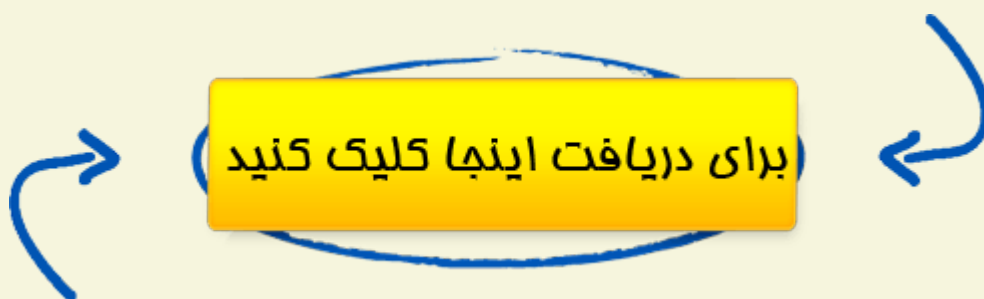
”ثم اختر للحكم بين الناس أفضل رعيّتك في نفسك ممن لا تضيق به الأمور، و لا

تُمْجِكُهُ الْخُصُومَ، وَ لَا يَتَمَادِي فِي الزَّلَّةِ، وَ لَا يَخْصِرُ مِنَ الْفِيءِ الْيَ الْحَقَّ إِذَا عَرَفَهُ وَ لَا تُشْرِفُ نَفْسُهُ عَلَي طَمَعٍ ...؛

برای داوری میان مردم، برترین افراد خود را برگزین! از کسانی که دارای سعه صدر باشد و امور گوناگون، او را در تنگنا قرار ندهد و مخاصمه و کینه توزی دو طرف دعوا، او را به خشم و کج خلقی وا ندارد و در اشتباهاتش پافشاری نکند و چون متوجه

اشتباه خود شود، بازگشت به حق و اعتراف به آن، برایش سخت نیاید و نفس او، تمایل به طمع نداشته باشد و در فهم مطالب به اندک تحقیق اکتفا نکند، بلکه مسایل را تا پایان دنبال کند، کسی که در شبهات از همه محتاط تر باشد و در یافتن حق و استناد به ادله، جدی تر باشد و از کثرت مراجعه دو طرف دعوا، کمتر خسته شود و در کشف امور، از همه صابرتر و شکیباتر باشد و در هنگام روشن شدن حکم و حق، از همه

قاطع تر باشد. از کسانی باشد که ستایش ستایشگران، او را فریب ندهد و تمجیدهای بسیار، او را از حق متمایل نسازد و عوامل تطمیع و تهدید و تملق و چاپلوسی، او را نفریبند. و البته این چنین نیروهایی، بسیار کم هستند." <
آن گاه امام(ع) به وظایف حساس زمامدار و حکومت اسلامی در برابر قضات می پردازد و



مقالات مرتبط

- [مقاله در مورد کارآموزی در اداره مالیات](#)
- [مقاله در مورد بررسی و شناخت طرح های فرش اراک با تأکید بر طرح های نته میر و بند ریحان](#)
- [دانلود مقاله آنگرمکن خانگی خورشیدی](#)

از این سایت ها نیز دیدن نمایید

- [ترنس لاین ، مرجع مقالات تخصصی فارسی ایران](#)
- [گت پیپر ، منبع مقالات انگلیسی و فارسی](#)
- [دانش رسان ، بیش از 1.5 میلیون مقاله فارسی](#)